



## آراء وحدت رویه

### دیوانعالی کشور

قابل طرح باشد. بنابراین وباستناد به مقررات ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب رسیدگی بدرخواست تجدیدنظر بادادگاه تجدیدنظر استان است.»

پس ازاعاده پرونده شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان تهران بشرح دادنامه شماره ۶۷۹ اعتراض محکوم علیه رامردود اعلام نموده لکن مرجع رسیدگی بدرخواست قصاص اولیاء دم رادیوان عالی کشور اعلام نموده و خود رامکلف به رسیدگی آن ندانسته است. پس ازارسال پرونده به دیوان عالی کشور وارجاع آن به شعبه بیستم شعبه یادشده مجدداً چنین رأی داده است:

«بطوریکه دردادنامه شماره ۱۳۴۰ صریحاً اعلام شده باوجود محکومیت بیرداخت دیه ازبابت قتل صدور حکم برائت درمورد عنوان ادعائی مدعی فاقد توجیه قسانونی است و ترتیب مزبور برائت ازارتکاب جرم نیست تاموضوع تعیین مرجع رسیدگی بدرخواست تجدیدنظر قابلیت طرح داشته باشد باتوجه به اینکه رأی شماره ۶۰۰-۷۴/۷/۴ وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور شامل برائت کلی درمورد اتهام قتل عمدی میباشد درخواست تجدیدنظر قابل طرح در دیوان عالی کشور نیست.»

● ۲- به حکایت پرونده بشماره ۵۴۷۵/۲۱

## شاکای خصوصی در مورد رأی دادگاه بدوی مبنی بر غیر عمدی بودن قتل، حق تجدید نظر خواهی دارد.<sup>(۱)</sup>

دودسته عزاداران حاضر درمحل ودرگیری بین آنان ونحوه تصادف و اظهارات بعضی گواهان موجب شده که اولیاء دم قتل راعمد دانسته و تقاضای قصاص متهم رانموده‌اند. شعبه دوم دادگاه عمومی ساوه پس ازتحقیقات جامع ومفصل، متهم راز اتهام قتل عمد تبرئه نموده و قتل راشبه عمد تشخیص داده واورا بیرداخت دیه ودوسال حبس تعزیری محکوم نموده است. اولیاء دم ازحکم برائت متهم به قتل عمدی ونیز محکوم علیه ازحکم محکومیت خود تقاضای تجدیدنظر نموده‌اند، دادگاه تجدیدنظر مرکز استان خود راصالح ندانسته وپرونده رابه دیوان عالی کشور ارسال داشته است. شعبه محترم بیستم دیوان عالی کشور درمقام رسیدگی به تجدید نظر بشرح دادنامه شماره ۲۰/۱۰۸۵ چنین رأی داده است:

«نظربه اینکه متهم درمورد اتهام وارده باتشخیص غیر عمدی بودن قتل، به حبس وپیرداخت دیه محکوم شده واعلام برائت درخصوص عمدی بودن قتل برائت ازاتهام نیست نادرخواست تجدیدنظر اولیاء دم

ریاست محترم دیوان عالی کشور

احتراماً دربارہ مرجع صالح رسیدگی بدرخواست تجدیدنظر احکامی که دادگاههای عمومی علیه نظر اولیاء دم، قتل انتسابی به متهم را غیر عمد تشخیص داده و تقاضای قصاص رامردود اعلام نموده و متهم رامستحق مجازات قتل غیر عمد دانسته است واولیاء دم به رأی دادگاه اعتراض داشته وهمچنان تقاضای قصاص دارند از شعب مختلف دیوان عالی کشور آراء متفاوتی صادر گردیده که به منظور اتخاذ رویه واحد قضائی تقاضای طرح موضوع در هیأت عمومی دیوان عالی کشور رادارد. خلاصه جریان دوفقره پرونده های مربوطه رابشرح زیر بعرض میرساند:

● ۱- در پرونده کلاسه ۵۴۲۹ شعبه بیستم دیوان عالی کشور آقای مختار کریمی که در جمع عزاداران سالار شهیدان در روز اربعین حسینی شرکت داشته در اثر برخورد با کامیون به رانندگی محمد فلاح فوت نموده است. مشاجره واختلاف قدیمی بین

# قانون

## به زبان ساده



فوت متوفی گذشت کرده‌اند و عدول آنها از گذشت وفق ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مسموع نخواهد بود و لکن ولی قهری که از ناحیه صغار گذشت کرده چون مصلحت و غبطه صغار را رعایت نکرده است لذا دادگاه با استناد بند ب ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی متهم را بپرداخت چهار بیست و چهارم دیه کامل در حق مادر متوفی و سیزده بیست و چهارم دیه در حق فرزندان صغیر متوفی محکوم می‌نماید. رای دادگاه مورد درخواست تجدیدنظر از سنوی والدین ولی صغار مقتول قرار گرفته است پس از ارسال پرونده به دیوان عالی کشور و ارجاع آن بشعبه ۱۹ دیوان شعبه یاد شده چنین رأی داده است:

« از طرف تجدید نظر خواهان ایراد و اعتراض مؤثری که نقض رأی دادگاه را ایجاب نماید نشده و از نظر تشریفات دادرسی و استنباط از قانون باتوجه به مبانی و مستندات دادگاه در صدور دادنامه تجدیدنظر خواسته اشکالی وارد نیست ابرام میگردد.»

همانطور که ملاحظه میفرمائید در هر دو پرونده اولیاء دم قتل مورث خود را عمد دانسته و تقاضای قصاص متهم را نموده اند و دادگاههای عمومی با تشخیص قتل شبه عمد متهم را به کیفر قتل غیر عمدی محکوم کرده‌اند اولیاء دم به نظر دادگاه معترض شده و تقاضای قصاص متهم را به لحاظ ارتکاب قتل عمد دارند و شعب نوزدهم و بیستم دیوان عالی کشور در دو مورد مشابه دو نظر متفاوت ابراز داشته‌اند، لذا با استناد ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ تقاضای طرح موضوع در هیأت عمومی دیوان عالی کشور مورد استدعاست.

### معاون اول قضائی دیوان عالی کشور

حسینعلی نیری

به تاریخ روز سه شنبه ۱۳۷۶/۹/۴ جلسه وحدت رویه قضائی هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت‌...

شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور آقای جمشید عنایت با اتهام قتل برادر خود بنام بدیل عنایت مورد تعقیب واقع شده است. جریان امر اجمالاً این است که متهم و برادرش بدیل پس از آنکه چند شب متوالی گوسفندان آنان در صحرا گم میشوند بمنظور کشتن گرگ اسلحه شکاری پدر خود را مخفیانه برداشته به بیابان میروند حسب اظهار متهم هر دو پهلوی یکدیگر به خواب رفته بودند که ناگهان در اثر شنیدن صدایی از خواب بیدار میشوند دست او به ماشه تفنگ خورده گلوله ای شلیک شده و برادرش از ناحیه پهلو مجروح میشود که پس از انتقال به بیمارستان فوت مینماید. در تحقیقات اولیه محمد عنایت پدر مقتول اصالتاً از طرف خود ولایتاً از طرف سه فرزند صغیر مقتول از قاتل گذشت مینماید بانوی تولد همسر مقتول نیز اظهار میدارد که دو برادر خصوصاً باهم نداشتند و شکایتی از متهم ندارد لکن بانو مریم مادر مقتول از جمشید شکایت داشته اظهار میدارد او از مادر دیگری است و عمداً فرزندم را کشته است تقاضای مجازات او را به اتهام قتل عمد دارم پدر و همسر مقتول نیز متعاقب گذشت قبلی خود جمشید را قاتل عمد (بدیل) دانسته تقاضای مجازات او را می‌نماید. دادگاه عمومی کلاته پس از رسیدگی بموجب دادنامه شماره ۱۶۵/۷۵ چنین رأی داده است:

«... متهم در تمام مراحل تحقیق مدعی قتل غیر عمد می‌باشد و برای دادگاه نیز عمدی بودن قتل احراز نشده است و اولیاء دم دلیلی بر عمدی بودن قتل اقامه نکرده اند و لذا دادگاه متهم را از حیث اتهام قتل عمد تبرئه نموده ولی از نحوه توضیحات و مدافعات وی محرز است که نامبرده با شلیک اسلحه بدون اینکه قصد انجام عملی علیه متوفی داشته باشد ویرابه قتل میرساند و چون متهم اصول و ضوابط رادربکار بردن اسلحه رعایت نکرده لذا مورد از مصادیق شبه عمد می‌باشد باتوجه به اینکه همسر و پدر متوفی قبلاً منجزاً بصورت قطعی در خصوص

تاسیدیم. هرگاه کسی ملک دیگری را به غیر و غلبه تصرف کند علاوه بر رفع تجاوز به حبس از ۳ ماه تا یکسال محکوم خواهد شد (ماده ۴۹۲ قانون مجازات اسلامی)

تاسیدیم. ما یا یا پزشکی که در مورد ولادت و وفات گواهی خلاف صادر کند به حبس جنجالی از ۶۱ روز تا ۶ ماه محکوم خواهد شد (ماده ۴۹ قانون ثبت احوال)

تاسیدیم. زوجین که زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند از یکدیگر ارث می‌برند. (ماده ۹۴ قانون مدنی)

تاسیدیم. صدور چک به عنوان تضمین یا تأمین اعتبار یا مشروط، وهدیه یا سفید امضاء ممنوع است و صادرکننده در صورت شکایت ذیلغ و عدم پرداخت به مجازات حبس از ۶ ماه تا ۲ سال و یا جزای نقدی از یکصد هزار تا ده میلیون ریال محکوم خواهد شد. (ماده ۱۳ قانون چک)

محمد محمدی گیلانی رئیس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران شعب حقوقی و کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید:

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور مبنی بر در پرونده های مطروحه اولیاء دم ادعای عمدی بودن قتل راداشته و تقاضای قصاص متهمان رانموده اند و دادگاههای بدوی پس از رسیدگی، عمدی بودن قتل را احراز نکرده و کیفیت قتل را شبه عمد تشخیص و با اعلام برائت متهمان از قتل عمد آنها رابه دیه محکوم نموده اند.

■ اولاً: در چنین مواردی تعبیر برائت از قتل عمد که متأسفانه در بین دادگاهها مرسوم شده تعبیر صحیحی نیست زیرا اصل انتساب قتل به متهم محرز است و کیفیت آن مورد اختلاف میباشد باین نحو که مدعی قتل را عمدی میداد ولی دادگاه شرایط عمدی بودن را احراز نمی نماید. در این مورد تعبیر برائت از عمد یعنی برائت از کیفیت قتل که این تعبیر بنظر صحیح نمیباشد مثل اینکه در مورد سرقت شاکی تقاضای اجرای حد مینماید و قاضی رسیدگی کننده که سرقت را واجد شرایط نمیداند حکم برائت متهم را از سرقت واجد شرایط حد صادر نموده او را به مجازات تعزیری محکوم نماید.

■ ثانیاً: بعد از احراز قتل شبه عمد در دادگاه حکم به محکومیت متهم بپرداخت دیه صادر گردیده و اولیاء دم به حکم دادگاه اعتراض نموده و همچنان قتل را عمد میدانند و در جایی که ادعای قتل عمد شده است با استناد ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب رسیدگی تجدیدنظر در صلاحیت دیوان عالی کشور میباشد. بنابراین رأی شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور که

براین اساس صادر شده موجه بوده معتقد به تأیید آن میباشم، مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رأی داده اند.

### رأی وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور (شماره: ۶۲۱-۴/۹/۱۳۷۶)

بر حسب اطلاق قسمت الف بند ۲ ماده ۲۶ ناظر بنیل ماده ۲۱ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در مورد اعلام وقوع قتل عمدی چنانچه دادگاه بدوی قتل را غیر عمد تشخیص دهد و حکم محکومیت براین اساس صادر گردد تشخیص دادگاه مسقط حق تجدیدنظر خواهی شاکی خصوصی از جهت ادعای عمدی بودن قتل نمیباشد و مرجع رسیدگی تجدیدنظر در این مورد بانوجه بماده ۲۱ قانون مرقوم، دیوان عالی کشور خواهد بود بنابراین رأی شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور که باین نظر مطابقت دارد صحیح و قانونی تشخیص میشود.

این رأی بر طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب نیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

## تعیین مبلغ مازاد بر دیه با ماده ۲۴۲ قانون مجازات

### اسلامی مغایرت دارد. (۲)

ریاست معظم دیوان عالی کشور

احتراماً با استحضار عالی میرساند، آقای معاون مجتمع و سرپرست اجرای احکام طی نامه شماره ۲۲۴۷-۷۶/۳/۱۷ به عنوان جناب آقای دادستان محترم کل کشور اعلام داشته که دو حکم متفاوت از شعب اول و دوازدهم تجدیدنظر استان تهران در رابطه با استنباط از ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی در باب تعیین دیه شکستگی استخوان منجر به ایجاد نقص عضو صادر شده بدین ترتیب که در پرونده کلاسه ۵۲۸۵/۶۰/۷۵ شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان جهت شکستگی منجر به ایجاد نقص عضو علاوه بر تعیین خمره دیه آن عضو به استناد ماده ۴۷۷ ارش

نیز تعیین نموده است در حالیکه شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر مورد رامنطبقی بماده ۴۴۲ دانسته و معتقد است که در خصوص شکستگی ترمیم یافته  $\frac{۴}{۵}$  دیه آن عضو باید تعیین و در صورت نقص عضو  $\frac{۴}{۵}$  دیه به  $\frac{۱}{۵}$  دیه آن عضو افزایش می یابد لذا پرونده های محاکماتی راجعت طرح در هیئت عمومی ارسال داشته است. اینک خلاصه جریان پرونده های مذکور معروض میگردد.

● ۱- سه موجب دادنامه های ۱۷۲۸ و ۷۵-۲۰۱۷ شعبه ۱۶۵ دادگاه عمومی تهران در پرونده شماره ۱۷۲۸ در خصوص اتهام شهروز نویخت دایره ایراد صدمه بدنی غیر عمدی نسبت به تقی شاملو متهمی به تورم و قرمزی پیشانی و شکستگی دنده های ۷ و ۸ نسبت به محمدرضا شاملو متهمی به تورم و کبودی بازوی راست و شکستگی استخوان بازوی راست و نقص عضو به میزان ۵٪ بر اثر بی احتیاطی در امر رانندگی با عنایت به شکایت شکات و گواهیهای پزشکی قانونی و نظریه پزشکی و کارشناسی صدور یافته و متهم در مورد صدمات وارده به اتومبیل یکی از شکات محکومیت یافته و در مورد تورم و کبودی بازوی راست و شکستگی استخوان بازوی راست بانقص عضو ۵٪ نسبت به محمدرضا شاملو مستنداً به مواد ۴۸۴ و ۴۸۵ و ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی به پرداخت  $\frac{۱}{۵}$  دینار و  $\frac{۱}{۵}$  دیه کامل بسبب کبودی و شکستگی و مبلغ یکصد هزار ریال ارزش بابت تورم و مبلغ ۱/۱۰۰/۰۰۰ ریال بابت ارزش نقص عضو برابر نظریه پزشکی قانونی محکوم نموده که مشاهده میشود نسبت به شکستگی استخوان بازوی راست بانقص عضو ۵٪ هم تعیین دیه نموده که این رأی در شعبه اول دادگاه تجدیدنظر مطرح شده و طبق رأی ۱۱۵ و ۲۱۴-۷۶/۲/۸ باین استدلال (نظریه اینکه مطابق ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی در هر جنایتی که موجب زوال یا نقص بعضی از منافع گردد و دیه آن معین نشده باشد ارزش تعیین میشود و ارزش مذکور نیز به تجویز ماده



۴۹۵ قانون نامبرده طبق نظر کارشناس تعیین میگردد در مانحن فیه هم بموجب گواهی شماره ۱۰/۲۵۲۳۷/ش ۷۴/۱۲/۲۳ پزشکی قانونی واحد شمال صدمه وارده توسط متهم به بازوی شاکی موجب نقض عضو به میزان ۵٪ و محدودیت حرکت انتهای فوقانی سمت راست شده است که این محدودیت حرکت نقض منافع برای شاکی ایجاد کرده است و از مصادیق ماده ۴۷۷ میباشد که تعیین ارزش از باب نقص مذکور منطبق با موازین است که در حکم لحاظ شده نهایتاً رای بدوی را تأیید نموده است.

● ۲- بموجب دادنامه شماره ۱۳۸۲- ۷۴/۱۱/۱۴ شعبه ۱۶۵ دادگاه عمومی تهران در پرونده کلاسه ۲۸۶/۷۴ در خصوص اتهام علی اصغر خداوند خانی به ایراد صدمه بدنی غیر عمدی ناشی از بی احتیاطی و عدم نظامات دولتی در رانندگی نسبت به محمد تقی رضی بانوجه به شکایت شاکی و گزارش مرجع انتظامی و اظهار نظر کارشناس و گواهیهای پزشکی قانونی بابت صدمات وارده از قبیل ضربه مغزی منجر به خونریزی و پاره گی ریه چپ با گذاشتن لوله جهت درمان آن از نوع جانفیه پرداخت دیه های مقرر محکوم گردیده از جمله راجع به شکستگی استخوان زند اسفل چپ و دررفتگی استخوان زند اعلی و حدوث نقص عضو به میزان ۱۰٪ جهت محدودیت حرکات مفصل آرنج و ساعد چپ نسبت به مجموع ارزش عضوی دست چپ مطابق ماده ۴۴۲ از جهت شکستگی به یک پنجم نصف دیه کامل و از جهت دررفتگی وفق ماده ۳۶۷ و ۴۹۵ حسب نظر پزشکی قانونی به مبلغ ۱۸۰ هزار تومان به عنوان ارزش و از جهت نقص عضو مذکور به پرداخت ۱۰٪ نصف دیه کامل ۵ شتر به موجب ماده ۳۰۲ ظرف مدت دو سال از تاریخ حادثه محکوم نسوده است و از ایسن رای تجدیدنظر خواهی شده و شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر به موجب دادنامه ۱۴۱۷-

۷۵/۱۲/۲۲ باین استدلال (نظریه اینکه بموجب ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی شکستگی دارای دیه معین است. بنابراین تعیین ارزش زاید بر دیه مقرر جواز قانونی نداشته و نقص عضو ناشی از شکستگی استخوان اگر همان نقص التیام استخوان شکسته شده و عدم التیام بدون عیب و نقص باشد دیه زاید بر دیه شکستگی ندارد بنابراین دادنامه صادره در قسمت محکومیت پرداخت ۱۰٪ نصف دیه کامل تعیین پنج شتر به منظور نقص عضو بعنوان ارزش دارای ایراد قضائی است) و در نهایت مستنداً به بند ۴ ماده ۲۲ قانون تشکیل محاکم عمومی این قسمت از دادنامه و ارزش مرقوم رانقض و به جهت عدم جواز قانونی حذف نموده و سایر قسمتهای دادنامه را چون مغایر با موازین قانونی ندانسته نتیجتاً تأیید کرده است.

اینک بشرح ذیل نظریه دادرسی دیوان عالی کشور معروض میگردد:

نظریه: همانطور که ملاحظه میفرمایید بین آراء شعب اول و دوازدهم دادگاههای تجدیدنظر استان تهران در استنباط از مواد ۴۴۲ و ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی در موضوع واحد رویه های مختلفی اتخاذ شده است و آراء مختلف صادر گشته و موضوع از مصادیق ماده ۳ مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷ میباشد و تقاضا دارد جهت ایجاد و اتخاذ رویه واحد در هیئت عمومی محترم دیوان عالی کشور مطرح گردد.

معاون اول دادستان کل کشور

حسن فاعری

بتاریخ روز سه شنبه: ۱۳۷۶/۸/۶ جلسه وحدت رویه قضائی هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیه ا. محمد محمدی گیلانی رئیس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران شعب حقوقی و

توسعه هر قطعه که در مجازات و مناصبها و مزایده های مربوط به نیروهای مسلح با دیگران توانی نماید علاوه بر جبران به حبس از ۲ ماه تا ده سال و جزای نقدی معادل آنچه بناحق تحصیل کرده است محکوم میگردد. (ماده ۸۶ قانون مجازات جزایم نیروهای مسلح)

توسعه دادگاه باید در ذیل رای خود قابل تجدیدنظر بودن یا نبودن رای و مرجع تجدیدنظر آن را معین نماید. (تفسیر ماده ۲۸ قانون دادگاههای مدنی و انقلاب)

توسعه موجب صاحب ملک نمی تواند در مدت اجاره در عین مستأجره تغییری دهد که منافی مقصود مستأجر از استیجار باشد. (ماده ۴۸۲ قانون اجاره)

توسعه قماربازی با هر وسیله ای معلوم و مرتکبین آن به یک تا ۶ ماه حبس یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شوند و در صورت تعارض به قماربازی به هر ۲ مجازات محکوم میگردد. (ماده ۷۰۵ قانون مجازات اسلامی)

توسعه هر نوع بهره برداری شخصی از وسائل و امکانات ارتش و استفاده شخصی از افراد گماشته راننده شخصی و نظایر آنها معلوم است. (اصل ۱۴۸ قانون اساسی)

توسعه شوهر می تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیوانات خود یا زن باشد منع نماید. (ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی)

کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور مبنی بر: نظریه اینکه ماده ۴۴۲ قانون مجازات اسلامی، تصریح براین دارد که دیه شکستگی استخوان هر عضوی که برای آن دیه معینی تعیین شده است خمس آن میباشد و اگر معالجه وبدون عیب گردد، دیه آن چهار پنجم دیه شکستن آن است و چون در هر دو پرونده نقص عضو حاصله ناشی از شکستگی استخوانی بوده است که دیه معینی دارد، بنابراین در مورد نقص عضو ناشی از شکستگی استخوان فقط باید قائل به تعیین دیه بود و تعیین ارش زائد بر دیه محمل قانونی ندارد و ماده ۴۷۷ قانون مذکور ناظر به مواردی است که برای عضو دیه ای معین نشده باشد، بنابراین رأی شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران که بر این اساس صادر شده موجه بوده معتقد به تأیید آن میباشم، مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رأی داده اند:

### رأی وحدت رویه هیأت عمومی

#### دیوان عالی کشور

مستفاد از ماده ۳۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰، ارش اختصاص به مواردی دارد که در قانون برای صدمات وارده به اعضاء بدن دیه تعیین نشده باشد. بر ماده ۳۲۲ قانون مزبور برای شکستگی استخوان اعم از آن که بهبودی کامل یافته و یا عیب و نقص در آن باقی بماند، دیه معین شده است که حسب مورد همان مقدار باید پرداخت گردد. تعیین مبلغی زائد بر دیه باماده مرقوم مغایرت دارد. علیهذا نظر شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر مرکز استان صحیح و منطبق با قانون میباشد. این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب مرداد ماه ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.

## ماده واحده الحاقی به قانون مالک و مستأجر ناظر به عقود اجاره‌ای است که بعد از تصویب آن قانون منعقد می‌شوند. (۳)

### ریاست معظم دیوان عالی کشور

احتراماً باستحضار عالی میرساند، یکی از وکلای دادگستری طی نامه ای که بشماره ۵۸۱۴-۷۵/۴/۲۴ ثبت دفتر دیوان عالی کشور شده است با ارسال تصویر چهار فقره از آراء صادره از شعب دادگاههای حقوقی یک و ۲ کاشان و تهران تقاضای طرح در هیئت عمومی دیوان عالی کشور نموده است و پرونده های مربوطه بکلاسهای ۸۷۰/۶۸ حقوقی ۲ و ۹۹/۶۸ حقوقی یک کاشان و ۳۱۴/۷۲ حقوقی ۲ تهران و ۷۶/۷۲ حقوقی یک تهران مطالبه گردیده و اینک بشرح ذیل خلاصه جریان پرونده های مذکور رامعرض میدارد.

● ۱- طبق محتویات پرونده کلاسه ۸۷۰/۶۸ حقوقی ۲ کاشان در تاریخ ۶۸/۷/۳ آقای عیسی عمادالاسلامی دادخواستی بطرفیت آقای حسین اخوان حجازی بخواسته صدور دستور توقیف عملیات اجرایی و متعاقباً صدور حکم بابطال اجرائیه ثبتی شماره ۶۸/۷-۴۴ دفتر اسناد رسمی شماره ۶ کاشان مستضمن تخلیه محل داروخانه پاستور بدادگاههای حقوقی ۲ کاشان تقدیم داشته و توضیح داده است در سال ۱۳۴۷ محل داروخانه پاستور بموجب سند رسمی ۲۴۴۴۳ دفتر اسناد رسمی ۶ کاشان بعنوان اجاره به وی واگذار و تا این تاریخ در اجاره اش بوده است. در سال ۱۳۶۵ دادگاه حقوقی ۲ کاشان بدرخواست خواننده حکم به تعدیل اجاره بها صادر نموده و در سال ۱۳۶۶ دادگاه مذکور حکم بر الزام وی (مستأجر) به تنظیم اجاره نامه رسمی متضمن تعدیل اجاره بها صادر و دفترخانه اسناد رسمی ۶ کاشان بر اساس دادنامه شماره ۸۱۷-۱/۶۶/۷ دادگاه حقوقی ۲ و اجاره نامه اولیه طی سند رسمی شماره ۴۹۴۹۲-۶۶/۷/۸ اجاره راتجدید نموده است. پس از انقضای مدت اجاره بنا بر درخواست موجر از طرف

دفترخانه اسناد رسمی تنظیم کننده سند اجاره اجرائیه مبنی بر تخلیه محل صادر گردیده در صورتیکه محل داروخانه متجاوز از بیست سال متوالی درید استیجاری وی میباشد و سند اجاره تنظیمی اخیر الذکر در حقیقت مبین تداوم اجاره قبلی است و موضوع بامقررات ماده واحده الحاقی که ناظر به موضوع اجاره نامه هایی است که بدون سابقه استیجاری و ابتداء تنظیم میشود انطباق نداشته و صدور اجرائیه محمل قانونی نداشته بشرح خواسته تقاضای رسیدگی و صدور حکم را کرده است. دادگاه حقوقی ۲ کاشان در تاریخ ۶۸/۷/۵ در وقت فوق العاده تشکیل جلسه داده و بموجب دادنامه شماره ۷۱۷-۶۸/۷/۶ بدین استدلال که اجرائیه که موضوع آن تخلیه دو باب دکان مورد اجاره بوده بروفق قانون الحاقی یک ماده به قانون روابط موجر و مستأجر صادر شده و ایرادی بر آن بنظر نمی رسد. حکم به رد دعوی خواهان صادر مینماید و خواهان از رأی صادره تجدیدنظر خواهی نموده دادگاه حقوقی یک کاشان را بموجب دادنامه شماره ۲۱۵/۶۹-۶۹/۵/۲۵ عیناً رأی تجدیدنظر خواسته را تأیید کرده است.

● ۲- در پرونده کلاسه ۳۱۴/۷۲ شعبه ۷۰ دادگاه حقوقی ۲ تهران بانک ملت در تاریخ ۷۲/۴/۸ دادخواستی بطرفیت خوانندگان آقایان حسن و رضا و خانمها ناهید و نهضت شهرت همگی نوبان بخواسته صدور حکم بر ابطال اجرائیه کلاسه ب/ ۱-۷۴۱۰ مربوط به سند اجاره شماره ۱۵۹۶۶۳ مورخ ۶۸/۷/۱۸ دفترخانه ۶۸ تهران صادر از اداره اول اجرای اسناد رسمی تهران و بدو صدور قرار توقیف عملیات اجرایی بدادگاه حقوقی ۲ تهران تقدیم داشته که رسیدگی بشعبه ۷۰ حقوقی ۲ ارجاع و توضیح داده است که خوانندگان سه باب مغازه بر طبق اجاره نامه تنظیمی دفترخانه ۶۸ تهران به بانک ملت به اجاره داده اند و پس از تصویب ماده واحده

قانون الحاق یک ماده به قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۶۵ موجرین در مقام تجدید قرارداد اجاره برآمده و اجاره نامه جدیدی بشماره ۱۵۹۶۶۳ - ۶۸/۷/۱۸ دفترخانه ۶۸ منعقد نموده‌اند و در متن اجاره نامه رسمی تصریح گردیده که مورد اجاره جهت محل شعبه بانک ملت و امور اداری و تجاری بانک مذکور به اجاره واگذار شده و قبلاً هم طبق اسناد اجاره نامه های ۵۶/۶/۱۴ و ۶۵/۲/۲۳ این دفتر در اجاره مستاجر بوده است که کماکان در تصرف بانک ملت است. با عنایت باینکه ماده واحده الحاقی به قانون روابط موجر و مستاجر ناظر به عقد اجاره ایست که پس از تاریخ تصویب ماده واحده ابتدائاً واقع شده باشد و تصرفات بانک مسبوق به عقود اجاره سابق بوده اقدام به صدور اجرائیه از طریق ثبت برخلاف قانون و بشرح خواسته تقاضای رسیدگی و صدور حکم نموده است و دادگاه پس از رسیدگی بموجب دادنامه ۸۰۴-۷۲/۱۰/۱۲ بدو اولاً بلحاظ انتقال سهم مالکیت مالکین به آقای رضا نوبان باستناد بند ۲ ماده ۱۹۸ قانون آئین دادرسی مدنی دعوی خواهان علیه خواندگان مردود اعلام شده و در خصوص دعوی اقامه شده علیه آقای رضانبان بدین استدلال که چون از مفاد ماده واحده الحاقی به قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۶۵ چنین استنباط میگردد که ناظر به عقود اجاره ای است که پس از تصویب آن ابتدائاً واقع میگردد و شامل روابط جاری پیش از تصویب خود نمیگردد و مؤید این معنی همانا ماده واحده تصویبی مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۹ میباشد که مقرر داشته در مورد حق کسب و پیشه مطابق قانون روابط موجر و مستاجر مصوب سال ۱۳۵۶ عمل شود و از آنجا که بانک خواهان بموجب اجاره نامه های رسمی سالها قبل از تصویب ماده واحده الحاقی به قانون روابط موجر و مستاجر عین مستاجر را جهت دایر کردن شعبه بانک و انجام امور تجاری در اجاره داشته و با عنایت به تجاری بودن عملیات بانکها حق کسب و پیشه برای آنها متصور و پذیرفته شده میباشد. بنظر دادگاه اجاره نامه اخیر الذکر

در حقیقت برای تمديد و تجديد اجاره تنظيم یافته و در نتیجه از شمول ماده واحده الحاقی خارج است لذا دعوی خواهان را وارد تشخیص و حکم بر ابطال اجرائیه شماره ۱۶۳ - ۷۱/۳/۱۶ صادره در پرونده اجرایی کلاسه ب ۱/ - ۷۴۱۰ - اداره اول اجرای اسناد رسمی ثبت تهران صادر و اعلام میدارد و از این رأی آقای رضانبان تجدید نظر خواهی نموده و پرونده شعبه ۲۴ دادگاه حقوقی یک تهران ارجاع و بموجب دادنامه ۳۲۱ - ۷۳/۷/۱۱ رأی تجدید نظر خواسته عیناً تأیید و استوار شده است. بنابه مراتب بشرح ذیل نظریه معروض می‌گردد.

**نظریه:** همانطور که ملاحظه میفرمایید بین آراء دادگاههای حقوقی ۲ و ۱ کاشان حقوقی ۲ و تهران در خصوص موضوع شمول ماده قانون الحاقی یک ماده به قانون روابط موجر و مستاجر مصوب سال ۱۳۵۶ اختلاف وجود دارد. بنابه مراتب باستناد ماده ۳ اضافه شده بقانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ تقاضای طرح موضوع در هیئت عمومی محترم دیوان عالی کشور به منظور ایجاد رویه واحد رami نماید.

#### معاون اول دادستان کل کشور

#### حسن فاخری

بتاریخ روز سه شنبه: ۱۳۷۶/۶/۱۸ جلسه وحدت رویه قضائی هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست حضرت آیت‌الله محمدی گیلانی رئیس دیوان عالی کشور و با حضور جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور و جنابان آقایان رؤسا و مستشاران شعب حقوقی و کیفری دیوان عالی کشور تشکیل گردید.

پس از طرح موضوع و قرائت گزارش و بررسی اوراق پرونده و استماع عقیده جناب آقای مهدی ادیب رضوی نماینده دادستان محترم کل کشور مبنی بر نظر باینکه در ماده واحده قانون الحاقی یک ماده به قانون روابط موجر و مستاجر مصوب سال ۱۳۶۵ تصریح گردیده محللهایی که پس از تصویب این قانون با سند رسمی بدون دریافت هیچگونه سرقفلی و پیش پرداخت به اجاره واگذار میشود مشمول مقررات این قانون خواهد بود. بنابراین مقررات ماده واحده

ناظر به اجاره نامه های محللهای استیجاری است که پس از تصویب قانون ابتدائاً به اجاره واگذار میگردد و اماکن استیجاری که قبل از تصویب این قانون در اجاره بوده و پس از تصویب ماده واحد اجاره نامه ها تجدید و یا تمديد میشود. چون رابطه استیجاری بین موجر و مستاجر از قبل وجود داشته مشمول مقررات ماده واحده نبوده و مشمول مقررات قانون روابط موجر و مستاجر مصوب سال ۱۳۶۵ میباشد. بنابراین رأی شعبه ۲۴ دادگاه حقوقی یک تهران که در جهت تأیید رأی شعبه ۷۰ دادگاه حقوقی ۲ تهران و بر همین اساس صادر شده موجه بوده معتقد به تأیید آن میباشم. ۲ مشاوره نموده و اکثریت بدین شرح رأی داده‌اند.

#### رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور (رأی شماره ۶۱۸ - ۱۳۷۶/۶/۱۸)

**مستنبط از ماده واحده الحاقی به قانون روابط موجر و مستاجر مصوب سال ۱۳۶۵ این است که قانون مزبور ناظر به عقود اجاره ایست که بعد از تصویب آن قانون و ابتدائاً منعقد میشوند و شامل اماکن تجاری که سابقه اجاره به تاریخ قبل از تصویب قانون فوق الذکر داشته اند نمیشوند و لذا در مورد دعوی مطروحه که بدلاست اسناد و اوراق پرونده مسبوق به رابطه استیجاری بتاریخ قبل از تصویب ماده واحده قانون مذکور میباشد و تنظیم اجاره نامه های جدید فی الواقع و نفس الامر بمنظور تمديد و تجدید اجاره قبلی بوده است صدور اجرائیه از جانب دفتر اسناد رسمی مبنی بر تخلیه این قبیل محل کسب و پیشه مخالف قانون است و باین کیفیت رأی دادگاه حقوقی یک تهران که بر تأیید حکم دادگاه حقوقی ۲ اصدار یافته و مبنی بر ابطال اجرائیه صادره در این زمینه میباشد صحیح و موافق موازین قانونی تشخیص میگردد. این رأی بموجب ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آئین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۳۷ برای دادگاهها در موارد مشابه لازم الاتباع است.**

#### پی‌نوشت

- ۱- به نقل از شماره: ۱۹۴۶ هـ ۱۶/۱۰/۱۳۷۶ روزنامه رسمی پرونده وحدت رویه ردیف: ۲۰/۷۶ هیئت عمومی
- ۲- به نقل از شماره: ۱۹۴۱ هـ ۲۹/۹/۱۳۷۶ روزنامه رسمی پرونده وحدت رویه ردیف: ۱۵/۷۶ هیات عمومی
- ۳- به نقل از شماره: ۱۹۲۸ هـ ۸/۴/۱۳۷۶ روزنامه رسمی پرونده وحدت رویه ردیف: ۹/۷۶ هیئت عمومی